

## مقدمه

### ۱) بیان مسئله تحقیق:

شرکتهای تجاری یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی در جامعه امروز محسوب می‌شوند که بسیاری از فعالیتهای این شرکتها توسط اشخاص حقیقی به نمایندگی از جانب اشخاص حقوقی (شرکتها) انجام می‌شود.

یکی از مهمترین اشخاص حقوقی (شرکتها) که در بسیاری از جوامع تشکیل و به فعالیت می‌پردازند شرکتهای سهامی عام هستند که باتوجه به حجم فعالیتهای شرکتهای سهامی عام و - جایگاه خطیر مدیران این شرکتها، پیش‌بینی مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری برای این‌مدیران امری اجتناب‌ناپذیر است.

تشکیل شرکتهای حقوقی در نظام اجتماعی امروزه یکی از ضرورت‌های اجتماعی است و بسیاری از فعالیتهای در عرصه زندگی اجتماعی، حرفه‌ای، فرهنگی، اقتصادی، خدماتی و غیره توسط اشخاص حقوقی هدایت و مدیریت می‌شود. حوزه فعالیتهای شرکتهای حقوقی بخش عمده‌ای از فعالیتهای عمومی و خصوصی هر نظام اجتماعی را شامل می‌شود هدایت این اشخاص حقوقی بر عهده مدیران آنها است که به نمایندگی از جانب اشخاص حقوقی (شرکتها) فعالیتهای شرکت را انجام می‌دهند. یکی از مهمترین اشخاص حقوقی یا شرکتهایی که در بسیاری از جوامع تشکیل و به فعالیتهای اجتماعی می‌پردازند شرکتهای سهامی عام هستند. باتوجه به حجم فعالیتهای شرکتهای سهامی عام و جایگاه خطیر مدیران این شرکتها پیش‌بینی مسئولیت چه مسئولیت مدنی و چه کیفری برای این مدیران نیز امری اجتناب‌ناپذیر است. به‌منظور کنترل و نظارت عملکرد مدیران شرکتهای حقوقی بویژه شرکتهای سهامی عام حقوق کیفری تضمین‌هایی را پیش‌بینی کرده است.

مهمترین خطری که از جانب مدیران شرکتهای سهامی عام متوجه سهامداران یا جامعه و یا اشخاص ثالث می‌شود سوء استفاده مدیران از اختیاراتی است که به سبب وظایف و تکالیف قانونی بر عهده گرفته‌اند. قانونگذار بخشی از تخلفات مدیران را به صراحت جرم انگاری نموده است اما کنترل بخش دیگری را از طریق تعابیر کلی به رویه قضایی واگذار نموده است. در این تحقیق سعی می‌شود ضمن طرح موضوع و تحلیل و نقد ابعاد جرم سوء استفاده مدیران شرکت سهامی عام معیاری برای تشخیص آن از رفتارها و اعمال تجاری ارائه شود.

## ۲) چهارچوب نظری تحقیق:

چهارچوب نظری تحقیق شناسایی مصادیق سوء استفاده از اختیارات مدیران شرکتهای سهامی عام در غالب عناوین مجرمانه و تحلیل رکن‌ها یا اجزای تشکیل‌دهنده هر عنوان مجرمانه بر مبنای اصل ضرر است. در واقع در این تحقیق سعی شده است از زاویه یا چهارچوب جزای اختصاصی به تبیین مسئله پردازیم.

## ۳) پیشینه تحقیق:

در خصوص سابقه تاریخی و پیشینه این تحقیق باید گفت که در خصوص مسئولیت اشخاص حقوقی از جمله مسئولیت مدنی و کیفری و حدود مسئولیت مدیران شرکتها و یا اینکه چه محدودیتهایی برای مدیران شرکتهای سهامی در انجام معاملاتشان وجود دارد قبلاً تحقیقاتی انجام شده است. و پایان نامه‌هایی در این خصوص موجود است همچنین مقالاتی در خصوص حقوق و تکالیف مدیران و همچنین مسئولیت مدیران در قبال شرکت و اشخاص ثالث و سهامداران به انجام رسیده است. اما تحقیقی با موضوع جرایم ناشی از سوء استفاده از اختیارات مدیران شرکتهای سهامی عام انجام نشده است. در این تحقیق سعی شده است از یک زاویه‌ایی

دیگر به مسئولیت مدیران نگاه شود و سؤال اصلی این تحقیق و آن ابهامی که باعث نگارش این تحقیق شده است آنست که چه نوع سوء استفاده‌ایی از اختیارات مدیران شرکتهای سهامی که براساس قانون و یا اساسنامه بر مدیران محول شده است جنبه مجرمانه و کیفری دارد چرا که هرنوع سوء استفاده مدیران از وظایف محوله جنبه کیفری ندارد و گاهی آثار سوء مدیریت مدیران جنبه حقوقی دارد. پس بحث ما در این تحقیق آن دسته از سوء استفاده‌هایی است که جرم محسوب می‌شود و قابل مجازات است. «به برخی از پایان نامه‌هایی که در خصوص جرایم و محدودیت‌مدیران شرکتهای سهامی انجام نشده است در زیرنویس اشاره شده است.»<sup>۱</sup>

#### ۴) روش تحقیق:

روشی که در نگارش این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است روش توصیفی تحلیلی است، در واقع روش کتابخانه‌ایی است یعنی مطالعه منابع کتابخانه‌ایی، رویه‌های قضایی، تحقیقات نظری انجام گرفته و نقد و بررسی آنها و مطالعه پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع، مقالات و همچنین مطالب منتشر در سایت‌های حقوقی مرتبط با موضوع است که در ضمن نقد و بررسی آنها سعی می‌شود با ارائه تحلیل آنها، نقاط ضعف و قوت قوانین و مقررات فعلی شناسایی شود.

#### ۵) سوالات تحقیق:

۱- مبنای جرم‌انگاری سوء استفاده مدیران شرکتهای سهامی عام از اختیاراتشان چیست و در چه مواردی سوء استفاده جرم انگاری شده است؟

۲- ارکان و شرایط جرم سوء استفاده از اختیارات مدیران شرکتهای سهامی عام چیست؟

---

<sup>۱</sup> اردشیری، موسی، «جرایم مدیر شرکت سهامی»، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، سال ۱۳۷۱  
حیدرپور، البرز، «محدودیت مدیران شرکتهای سهامی در انجام معاملات در حقوق ایران»، دانشگاه شهیدبهبشتی، دانشکده حقوق، سال ۱۳۸۴  
دماوندی، محمدرجبعلی، «حقوق و تکالیف مدیر شرکت سهامی»، دانشگاه شهیدبهبشتی، دانشکده حقوق، سال ۱۳۷۶

۳- معیار مسئولیت کیفری مدیران از سوء استفاده کیفری اشخاص حقوقی چگونه تعیین می-شود؟

۴- آیا امکان استفاده از رویکرد غیرکیفری در رابطه با جرم انگاری‌های انجام شده ناظر به سوءاستفاده از اختیارات مدیران شرکتهای سهامی عام در حقوق ایران وجود دارد؟

#### ۶) فرضیه‌ها:

۱- مبنای جرم انگاری سوءاستفاده مدیران شرکتهای سهامی عام از اختیاراتشان خیانت در امانت یعنی عدم تقدم بخشیدن به منافع سهامداران توأم با سوء نیت است.

۲- جرم سوءاستفاده مدیران شرکتهای سهامی عام علاوه بر ارکان و شرایط عمومی از عناصر اختصاصی نیز برخوردار است.

۳- معیار مسئولیت کیفری ضوابط و مقررات قانونی، تجاری و حرفه‌ایی و عرف حاکم و در واقع مجموعه‌ایی از اینها معیار مسئولیت محسوب می‌شود که تشخیص آن با کمک کارشناس و نیازمند برخورداری از تخصص در موضوع است.

۴- در نظام حقوقی ایران می‌توان علاوه بر رویکردکیفری در مواردی به‌جای آن از رویکرد-اداری، تجاری و صنفی نیز استفاده نمود.

#### ۷) اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن:

باتوجه به این که مدیران شرکتهای سهامی عام به عنوان امین سهامداران در یک نظام اجتماعی اعمال مدیریت می‌کنند، فرض براین است که وظایف قانونی خویش را به نحو احسن و با رعایت صرفه و صلاح افرادی که به نمایندگی از آنها مسئولیت را پذیرفتند انجام می‌دهند اما در بسیاری از موارد مرز و معیاری بین اعمال مجرمانه و اعمال حقوقی مسئولیت آور و به

عبارت دیگر سوء مدیریت یا سوء استفاده وجود ندارد یا تشخیص آنها بسیار مشکل خواهد بود در این تحقیق سعی شده است معیارهای ملموس و عینی برای تشخیص قصور یا تقصیر و همچنین سوء استفاده یا سوء مدیریت ارائه شود تا از یک سو مدیران با حسن نیت بی‌مورد در معرض اتهام قرار نگیرند و از سوی دیگر مدیران متخلف و سوء استفاده کننده مورد مجازات و واکنش مناسب کیفری قرار بگیرند تا امنیت اجتماعی و حقوقی مطلوبتری بر جامعه حاکم شود همچنین اعمال کیفر و مجازات در خصوص مدیران متخلف و به بیان دیگر مجرم باعث می‌شود اعتماد و اطمینانی که براساس آن شرکاء، سهامداران و اشخاص ثالث در شرکت سرمایه‌گذاری کردند سلب نشود.

#### ۸) اهداف تحقیق:

مهمترین اهداف این تحقیق که در رأس آنها شناخت سوء استفاده‌های مجرمانه مدیران شرکتهای سهامی عام از اختیارات محوله و همچنین بررسی ضمانت اجرای تخلفات و سوء- استفاده مدیران از اختیارات مدیریتی عبارت است از:

۱) نقد و تبیین صحیح علمی قوانین موجود در خصوص جرایم و مصادیق سوء استفاده مدیران، از اختیارات محوله.

۲) بررسی و شناسایی خلأهای نظام قانونی موجود در خصوص جرم انگاری و واکنش کیفری نسبت به جرایم مدیران شرکتهای سهامی عام به ویژه به عنوان مصادیق از سوء استفاده از اختیارات محوله.

۳) ارائه پیشنهادهایی جهت اصلاح قوانین موجود.

۴) ارائه معیارهایی جهت ارزیابی عملکرد مدیران شرکتهای سهامی عام جهت تشخیص و تفکیک اعمال مجرمانه از اعمال مدیریتی.

۵) بررسی و تحلیل ضمانت اجرای تخلفات و جرایم مدیران شرکتهای سهامی در مواد ق.ت و ل.ا.ق.ت مصوب ۴۷.

#### ۹) ساماندهی تحقیق:

از آنجایی که انجام بخش عمده‌ایی از فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی جامعه بر عهده شرکتهای تجاری می‌باشد که هدایت این اشخاص حقوقی بر عهده مدیران آنها است که اشخاص حقیقی هستند و به نمایندگی از جانب اشخاص حقوقی فعالیت می‌کنند، لذا برای آنکه مدیران بتوانند به خوبی فعالیتهای شرکتهای تجاری را هدایت و مدیریت کنند، قانونگذار یک سری اختیارات و حقوقی را از طرف اصیل (شرکت) به مدیران اعطا کرده است که مدیران شرکتهای تجاری باید این اختیارات قانونی را در جهت اهداف شخص اصیل (شرکت) بکار ببرند. البته از آنجایی که بعضاً مدیران از این اختیارات قانونی که قانوناً به رسمیت شناخته شده است و یا به موجب اساسنامه به آنها اعطا شده است ممکن است سوءاستفاده کنند و آن اختیارات را در جهت غیر از هدف شخص اصیل یا به قصد اضرار به آن یا صرفاً جلب منفعت برای خود یا شخص دیگری بکار ببرند. لذا این اختیارات تفویضی به مدیران به موجب قانون یا اساسنامه محدود شده است. از این جهت می‌بایست در ابتدا این محدودیتها را شناخت تا براساس این شناخت بتوان سوءاستفاده و یا تخلفات مدیران از اختیارات اعطایی را تشخیص داد. زیرا هر زمان که مدیران پا را فراتر از محدودیت‌های تعیین شده بگذارند مرتکب تخلف و سوءاستفاده شده‌اند، اما از آنجایی که شناخت این محدودیت‌ها و به تبع آن سوءاستفاده‌های مدیران امری دشوار است و از سوی دیگر هدف از طرح این پایان‌نامه شناخت آن دسته از سوءاستفاده‌هایی است که جنبه مجرمانه دارد. لذا این پایان‌نامه از دو بخش زیر تشکیل شده است:

بخش اول- اختیارات و تکالیف مدیران شرکتهای سهامی

بخش دوم- جرایم و سوءاستفاده از اختیارات مدیران شرکتهای سهامی

بخش اول از دو فصل زیر تشکیل شده است:

فصل اول- حدود اختیارات و وظایف مدیران شرکتهای سهامی

فصل دوم- محدودیت مدیران در اداره شرکت

در این بخش بطور اجمالی به بررسی حدود اختیارات و تکالیف مدیران شرکتهای سهامی در

غالب دو فصل فوق پرداخته شده است.

بخش دوم نیز از دو فصل ذیل تشکیل شده است:

فصل اول- جرایم و مسئولیت کیفری مدیران در قوانین

فصل دوم- سوءاستفاده از اختیارات مدیران و ضمانت اجرای آن

در این بخش نیز به بررسی جرایم و مسئولیت کیفری مدیران در قوانین از جمله قانون

تجارت، قانون مجازات اسلامی و قوانین خاص و همچنین بررسی سوءاستفاده از اختیارات

مدیران و ضمانت اجرای آن می پردازیم. در پایان نتیجه گیری و پیشنهادها ارائه می شود.

بخش اول:

اختیارات و تکالیف مدیران شرکتهای سهامی

«تجارت در دنیای امروزه اقتضا دارد که مدیران دارای اختیارات کامل باشند و نیاز به این نباشد که اشخاصی که طرف معامله شرکت قرار می‌گیرند به بررسی و کنترل مواد اساسنامه، قرارداد مدیریت یا سایر اسناد دیگر برای احراز حدود اختیارات مدیران بپردازند چرا که این کار امر دشواری است و با اصول تجارت بخصوص اصل سرعت در معاملات منافات دارد و در معاملات بین المللی عملاً میسر نیست»<sup>۱</sup>. «بنابراین تضمین استحکام معاملات و حفظ حقوق اشخاص ثالث اقتضا دارد که مدیران دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره شرکت تلقی باشند و به بهانه تجاوز مدیران از حدود اختیاراتشان حقوق اشخاص ثالث تضییع نگردد»<sup>۲</sup>.

«اما از آنجا که ممکن است مدیران شرکتهای سهامی در اجرای وظایف مختلف خود در شرکت مرتکب اعمالی شوند که در قانون جزای عمومی نیز پیش‌بینی شده است از جمله کلاهبرداری، جعل، سوءاستفاده از سند مجعول، خیانت در امانت، این جرایم تابع مقررات خود خواهند بود»<sup>۳</sup>. «از این رو قانونگذار به دلیل کافی نبودن مجازاتهای مندرج در قوانین عام جزایی در لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۴۷ جرایم خاصی برای مدیران متخلف پیش-بینی کرده است که متضمن مجازاتهای خاصی نیز هست که این امر خود نشاندهنده تکالیف مدیران است»<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> صادقی، محمد، پایان نامه، «نقش مدیریت در شرکتهای سهامی»، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، سال ۱۳۷۷، ص ۷۳  
<sup>۲</sup> صادقی، محمد، همان  
<sup>۳</sup> توسلی، پرویز، پایان نامه، «بررسی بزه مدیران شرکت از آغاز قانونگذاری کیفری»، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، سال ۱۳۷۱، ص ۶۸  
<sup>۴</sup> توسلی، پرویز، همان

## فصل اول: حدود اختیارات و صلاحیتها و وظایف مدیران شرکتهای سهامی

با پذیرش اصل وسیع بودن اختیارات مدیران در اداره امور شرکت بحث تکالیف مدیران در مقابل این اختیارات مطرح می‌شود.

«به دلیل وظایف و اختیارات وسیعی که مدیران در اداره شرکت دارند و همچنین به منظور حفظ منافع و حقوق اشخاص ثالث طرف معامله با شرکت، قانونگذار برای مسئولیت مدیران از محدوده قواعد عمومی فراتر رفته و به مقتضای اهمیت اعمال ایشان مسئولیت وسیعتری را برای مدیران قائل شده است»<sup>۱</sup>.

### مبحث اول: اقسام مدیران

«باتوجه به اینکه واژه مدیر مطلق است که بر اقسام متعددی دلالت دارد و باتوجه که هر قسم از این مدیران دارای نقش، وظیفه و مسئولیت های خاص خود هستند که متفاوت از اقسام دیگر است به گونه‌ای که برخی مدیران مثل مدیرعامل در تمام امور روزمره شرکت دخالت دارد در حالیکه برخی مدیران مثل مدیران علل البدل ممکن است فرصت حضور و دخالت در اداره شرکت را نیابند»<sup>۲</sup> لذا ضروری است برای تبیین مسئولیتهای احتمالی، اقسام مدیران شرکتهای سهامی را بررسی کنیم.

<sup>۱</sup> مصطفوی، رحیم، پایان نامه، «جایگاه حقوقی و نقش مدیران در شرکتهای تجاری»، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، سال ۱۳۸۰، ص ۸۸

<sup>۲</sup> عبادی، محمدعلی، حقوق تجارت، کتابخانه گنج دانش، چ ۱۲، بهار ۱۳۷۵، ص ۶۲

## گفتار اول: مدیران موظف و غیرموظف

در ماده ۱۳۴ ل.ا.ق.ت ایران از اعضاء موظف و غیرموظف هیأت مدیره نام برده بدون آنکه تعریف مشخصی از این دو واژه ارائه شده باشد و یا اینکه مقصود قانونگذار از این واژه‌ها روشن باشد.

م ۱۳۴ ل.ا.ق.ت:

مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می‌تواند باتوجه به ساعات حضور اعضاء غیر موظف هیأت مدیره در جلسات هیأت مزبور پرداخت مبلغی را به آنها بطور مقطوع بابت حق حضور آنها در جلسات تصویب کند. مجمع عمومی این مبلغ را باتوجه به تعداد ساعات و اوقاتی که هر عضو هیأت مدیره در جلسات هیأت حضور داشته است تعیین خواهد کرد همچنین در صورتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد مجمع عمومی می‌تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به عنوان پاداش به اعضاء هیأت مدیره تخصیص داده شود. اعضاء غیرموظف هیأت مدیره حق ندارند به جزء آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است در قبال سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیرمستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

در تفسیر این دو واژه و تمیزشان ۲ احتمال است:

(۱) ممکن است گفته شود که اعضاء هیأت مدیره بنا به تصمیم مجمع عمومی و به اعتبار نحوه

فعالیت و مشارکتی که در هیأت مدیره دارند به دو دسته تقسیم می‌شوند:

(۱-۱) مدیران موظف ، ۲-۱) مدیران غیرموظف<sup>۱</sup>

(۲) در مقابل نظر بالا، می‌توان گفت که «میان مدیران به اعتبار عضویت در هیأت مدیره

تفاوتی وجود ندارد بلکه تفکیک اعضاء موظف و غیرموظف هیأت مدیره، ناشی از این امر

<sup>۱</sup> . ساجدی، ولی، انتخاب اعضاء هیأت مدیره، مجله حسابرس، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۴، ص ۶۴

است که مدیرانی علاوه بر عضویت در هیأت مدیره، شغل مستمری نیز در اداره فنی و عملی شرکت دارند از این حیث مستخدم شرکت محسوب شده و موظفاً حقوق دریافت می‌دارند.<sup>۱</sup>

«در مقام انتخاب از نظر حقوقی نظر دوم مرجع است، از یک سو معنای موظف مفید چنین برداشتی است، زیرا موظف از واژه وظیفه است و وظیفه علاوه بر تکلیف به معنای وجه دریافتی مستمر و حقوق کارمند است و از طرفی منطقی نیست که مدیران شرکت صرفاً به لحاظ عضویت آنها در هیأت مدیره به موظف و غیرموظف تقسیم شوند.»<sup>۲</sup> البته باید توجه داشت در اصل اداره شرکت و حضور و عضویت در هیأت مدیره هیچ‌گونه تفاوتی بین مدیران موظف و مدیران غیرموظف نیست هر دو گروه در اداره شرکت و اتخاذ تصمیم در هیأت مدیره نقش یکسانی دارند، اگرچه ممکن است مدیر موظف مثل مدیرعامل در عین حال که عضو هیأت مدیره نیز است به لحاظ سمت و وظیفه مستمرگیری که در شرکت دارد مشارکت و دخالت بیشتری در اداره امور شرکت داشته باشد.

### گفتار دوم: مدیران اصلی و مدیران علل البدل

«تقسیم مدیران به اصلی و علل البدل در ل.ا.ق.ت و در ق.ت صراحتاً نیامده و هیچ تعریفی نیز از مدیران اصلی و علل البدل در قوانین نیست و در لایحه اصلاحی جدید قانون تجارت نیز اشاره‌ایی به آن نشده است، صرفاً در م ۱۱۲ ل.ا.ق.ت مصوب ۴۷ به مدیران علل البدل بعنوان جایگزینی برای اعضاء اصلی هیأت مدیره اشاره شده است.»<sup>۳</sup> م ۱۱۲ ل.ا.ق.ت: «در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضاء هیأت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضاء علل البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و الا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آن را خواهند گرفت و در صورتی که عضو علل البدل

<sup>۱</sup> مهاجران، عباس، مدیران در شرکتهای سهامی، مجله کانون وکلاء، ش ۱۳۳، سال ۱۳۵۴، ص ۵۷

<sup>۲</sup> مهاجران، عباس، همان

<sup>۳</sup> کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، ج ۴، انتشارات مصور، سال ۱۳۵۳، ص ۸۳

تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضای علل البدل کافی برای تصدی محلهای خالی در هیأت مدیره نباشد مدیران باقی مانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضای هیأت مدیره دعوت نمایند.» «و در ل.ا.ق.ت جدید در م ۵۹۵ عیناً این ماده تکرار شده است و در م ۵۹۴ ل.ا.ق.ت جدید آمده که مجمع عمومی باید برای شرکت سهامی عام حداقل ۳ عضو علل البدل تعیین کند»<sup>۱</sup>.

«بنابراین مدیران اصلی اشخاصی هستند که مجمع عمومی شرکت آنها را برای اداره شرکت و عضویت در هیأت مدیره انتخاب می‌کند به گونه‌ای که پس از انتخاب بالفعل مدیر شرکت تلقی می‌شوند و اختیار اتخاذ تصمیم برای شرکت را در چهارچوب مقررات قانونی دارند. در مقابل مدیران علل البدل اشخاصی‌اند که برای سمت مدیریت به نحو بالقوه به وسیله مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.»<sup>۲</sup> بعبارت دیگر مدیران علل البدل پس از انتخاب شدن بلافاصله سمت مدیریت شرکت و عضویت در هیأت مدیره را پیدا نمی‌کند و نقشی در اداره شرکت ندارند ولی آنان این قابلیت بالقوه را باتوجه به انتخاب شدنشان توسط مجمع عمومی دارند که در صورت استعفا یا فوت یا سلب شرایط از یکی از مدیران اصلی، جایگزین آنها بشوند، مدیر علل البدل پس از آنکه جایگزین یکی از مدیران اصلی شد خود مدیر اصلی تلقی می‌شود و دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره شرکت است.

### گفتار سوم: مدیرعامل

انتخاب مدیرعامل برای شرکت سهامی الزامی است و هیأت مدیره نمی‌تواند از انجام این تکلیف خودداری نماید. البته برای مدیران عامل شرکتهای سهامی حداکثر پیش‌بینی نشده است و تعداد مدیران عامل باتوجه به وسعت عملیات شرکت به نظر هیأت مدیره است. «مدیرعامل در نظام

<sup>۱</sup> م ۵۹۴ ل.ا.ق.ت.ج: مجمع عمومی باید برای شرکتهای سهامی خاص حداقل دو نفر و برای شرکتهای سهامی عام حداقل سه نفر عضو علل البدل هیأت مدیره انتخاب نماید.

<sup>۲</sup> کاتبی، حسینقلی، همان

حقوقی ایران در عمل اعمال و اجراکننده اختیارات مدیران است و ارتباط شرکت با اشخاص ثالث معمولاً از طریق مدیرعامل است، این شخص در مقابل اشخاص ثالث نماینده شرکت است»<sup>۱</sup>. «در حقوق ایران مدیرعامل در اصل فاقد هرگونه اختیاری برای اداره شرکت است و اختیارات او ناشی از هیأت مدیره است.»<sup>۲</sup> به موجب م ۱۲۵ ل.ا.ق.ت ۴۷ «مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.»

«با توجه به نقش مؤثری که مدیرعامل در اداره شرکت دارد چه بسا که تأثیر مدیرعامل و نقش او در اداره شرکت بیش از سایر مدیران عضو هیأت مدیره است. بدین لحاظ قانونگذار مدیرعامل را در ردیف مدیران عضو هیأت مدیره مشمول محدودیتها و مسئولیتهای بسیاری قرار داده است.»<sup>۳</sup>

«قانون تجارت ایران هیچگونه قیدی برای احراز سمت مدیریت شرکتها جز اینکه مدیران از میان شرکاء باشند قائل نشده، البته برای احراز سمت مدیریت شخص باید اهلیت لازم برای مدیریت را داشته باشد زیرا مدیر شدن و وکیل شدن نیاز به اهلیت لازم و کافی دارد قوانین جدید برای احراز سمت مدیریت شرکتها شرایط دیگری را گفته است تا کسانی که قابل اعتماد نیستند، بعنوان مدیر شرکت تعیین نشوند»<sup>۴</sup>. مثلاً کسانی که دارای محکومیت جزایی یا جرایم بزرگ مخصوصاً کلاهبرداری، خیانت در امانت، کشیدن چک بی‌محل و ورشکستگی باشند نمیتوانند به سمت مدیریت شرکت انتخاب شوند.

---

<sup>۱</sup>. رمضانعلی، مانی پاشا کلانی، پایان نامه «سازمان مدیریت و نظارت در شرکت سهامی»، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، سال ۱۳۷۸، ص ۸۰  
<sup>۲</sup>. رمضانعلی، مافی پاشا کلانی، همان  
<sup>۳</sup>. رمضانعلی، مافی پاشا کلانی، همان  
<sup>۴</sup>. قربانی، علی، پایان نامه، «مسئولیت مدیران و بازرسان در شرکتهای»، دانشگاه شهیدبهنشتی، دانشکده حقوق، سال ۱۳۷۹، ص ۶۳

«قانون تجارت ایران منعی ندارد که یک نفر می تواند در آن واحد مدیر چند شرکت مختلف باشد. و ق.ت.ایران تصریحی برای ملیت مدیران ندارد بنابراین از لحاظ حقوقی هیچ مانعی نیست که تمام یا قسمتی از اعضای هیئت مدیره شرکتها به ویژه شرکت سهامی ایران خارجی باشند.»<sup>۱</sup> فقط درباره بعضی از شرکتها مثل بانکها و شرکتهای بیمه مقررات خاصی پیشبینی کرده که مدیران شرکت، اکثریت آنان، از بین اتباع ایرانی انتخاب شوند.

ماده ۱۱۱ ل.ا.ق.ت. در خصوص آنکه چه اشخاصی نمیتوانند به سمت مدیریت شرکت انتخاب شوند مقرر داشته است. (م ۴۶۰ ل.ا.ق.ت.ج نیز در بردارنده همین موضوع می باشد)

۱) محجورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است.

۲) کسانی که بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق

اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت:

سرقت، خیانت در امانت یا کلاهبرداری، جنحه هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است، اختلاس، تدلیس، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی.

تبصره: دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفعی حکم عزل هر مدیری که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.

علاوه بر این ماده نداشتن شغل دولتی در برخی مشاغل از جمله شرایط احراز سمت مدیریت است. اصل ۱۴۱ قانون اساسی در این باره می گوید:

رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمیتوانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت

---

<sup>۱</sup>. دکترمشکی، سیروس، رساله دکتری، «سازمان حقوقی مدیریت در شرکتهای سهامی»، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، سال ۱۳۵۸، ص ۷۲

دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی، جز شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است. همچنین به استناد بند ۳ از ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران مصوب ۱۳۵۴:

«عضویت در هیأت مدیره و مدیریت عامل شرکتهای تجاری و بانکها و یا مؤسسات بیمه و مؤسسات دولتی و یا وابسته به دولت، برای سردفتران و دفتر یاران ممنوع می‌باشد.» م ۴۶۰ ل.ا.ق.ت جدید: علاوه بر اشخاصی که به موجب قوانین خاص از مدیریت شرکت منع شده‌اند اشخاصی زیر نیز از مدیریت شرکت ممنوع هستند:

- (۱) اشخاص مذکور در اصل ۱۴۱ قانون اساسی
- (۲) مشاورین رئیس جمهور
- (۳) رئیس قوه قضائیه، معاونین، مشاورین، قضات و کارکنان قوه قضائیه، سردفتران، دفتر یاران اسناد رسمی
- (۴) نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی
- (۵) اعضاء و کارکنان شورای نگهبان
- (۶) اعضاء و هیأت رئیسه مجلس خبرگان رهبری
- (۷) اعضاء و کارکنان شورای امنیت ملی
- (۸) اعضاء و کارکنان مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیرمجمع و معاونین وی
- (۹) مشاورین و معاونین رئیس جمهور
- (۱۰) رئیس دفتر مقام معظم رهبری، معاونین و مشاورین رئیس دفتر رهبری و رؤسای نهادهای وابسته و مدیران کل حوزه دفتر مقام معظم رهبری

- (۱۱) رؤسای دفاتر سران سه قوه
- (۱۲) سرپرستان وزارتخانه‌ها
- (۱۳) معاونین و مشاورین وزراء
- (۱۴) مدیران کل و سرپرستان ادارات کل وزارتخانه‌ها و مدیران کل حزوه وزارتی و رؤسای دفاتر وزراء
- (۱۵) رئیس دیوانعالی کشور و معاونین و مشاورین وی
- (۱۶) دادستان کل کشور و معاونین و مشاورین وی
- (۱۷) رئیس و دادستانها و معاونین و مشاورین و مستشاران دیوان محاسبات
- (۱۸) رئیس دیوان عدالت اداری و معاونین و مشاورین وی
- (۱۹) رئیس سازمان بازرسی کل کشور و معاونین و مشاورین وی
- (۲۰) رئیس کل بانک مرکزی ایران، معاونین و مشاورین وی
- (۲۱) رؤسا و سرپرستان سازمانها و ادارات کل و ادارات عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و جانشینان و معاونین آنان در سراسر کشور
- (۲۲) رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و معاونین و مشاورین وی
- (۲۳) رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و معاونین و مشاورین وی
- (۲۴) ائمه جمعه سراسر کشور و رؤسای دفاتر ائمه جمعه
- (۲۵) نمایندگان ولی فقیه در دستگاهها و نهادها
- (۲۶) رؤسای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اعم از دولتی و غیردولتی
- (۲۷) استانداران و معاونین و مشاورین استانداران
- (۲۸) فرمانداران و بخشداران در استان مربوطه
- (۲۹) شهرداران و رؤسای مناطق شهرداری و کارکنان شهرداری

۳۰) اعضاء هیأت مدیره و مدیران عامل بانکها

۳۱) اعضاء شورای شهر

۳۲) رؤسا و سرپرستان سازمانهای دولتی

۳۳) اعضاء هیأت مدیره و مدیران عامل شرکتهای دولتی و وابسته به دولت

«در شرکتهای سهامی حداکثر برای تعداد مدیران پیش‌بینی نشده است و تعداد مدیران عامل باتوجه به وسعت عملیات شرکت به نظر هیأت مدیره است. مدیرعامل در نظام حقوقی ایران در عمل اعمال و اجراکننده اختیارات مدیران است. و ارتباط شرکت با اشخاص ثالث معمولاً از طریق مدیرعامل است، این شخص در مقابل اشخاص ثالث نماینده شرکت است.»<sup>۱</sup> در حقوق ایران مدیرعامل در اصل فاقد هرگونه اختیاری برای اداره شرکت است و اختیارات او ناشی از هیأت مدیره است. به موجب م ۱۲۵ ل.ا.ق.ت «مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.»

«باتوجه به نقش مؤثری که مدیرعامل در اداره شرکت دارد چه بسا که تأثیر مدیرعامل و نقش او در اداره شرکت بیش از سایر مدیران عضو هیأت مدیره است. بدین لحاظ قانونگذار مدیرعامل را در ردیف مدیران عضو هیأت مدیره مشمول محدودیتها و مسئولیتهای بسیاری قرار داده است.»<sup>۲</sup>

۱. صالحی، مریم، پایان نامه، «بررسی اختیارات مدیران شرکتهای سهامی»، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، سال ۱۳۷۵، ص ۸۸

۲. تقریبی، ایرج، مقاله، «مسئولیت مدیران عامل و هیأت مدیره و بازرسان شرکتهای سهامی»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲۸، سال ۱۳۵۳، ص ۴۳

## مبحث دوم: اختیارات و تکالیف مدیران و اعضاء هیأت مدیره شرکتهای سهامی

مقنن در م ۱۱۸ ل.ا.ق.ت مصوب ۴۷ پس از اعلام اینکه اصل اختیارات مدیران عام و مطلق است به استثنائاتی که اختیارات مدیران را محدود می‌کند اشاره کرده است.

در واقع وقتی صحبت از محدودیتهای مدیران و اعضاء هیأت مدیره شرکتهای سهامی می‌شود مقصود تکالیفی است که آنها در شرکتهای سهامی و در مقابل اختیارات تفویضی دارند مثل آنکه آنها مکلف به رعایت موضوع شرکت هستند یا مکلف به عمل کردن در چهارچوب مصوبات مجامع عمومی می‌باشند. البته در این مبحث به شرح این موضوع به تفصیل پرداخته شده است. در ق.ت مدیر می‌تواند هر اقدامی را که لازمه اداره یعنی مفید برای رسیدن به مقصود شرکت است انجام دهد. پس «مدیر می‌تواند بنام شرکت هرگونه سند تجارتي را امضاء نماید و به خرید و فروش مال التجاره و اجاره مال غیرمنقول برای مصارف شرکت و غیره اقدام نماید و می‌تواند برای کارهای شرکت قرار استخدام بدهد و قرض کند و قرض بدهد، بنام شرکت مدعی یا مدعی علیه بوده و در محاکمات تا میزانی که جزء کار اداری بتوان محسوب کرد. صلح نمود یا به دعوی طرف تسلیم شود و غیره. از طرف دیگر یقین است که مدیر نمی‌تواند معاملاتی که در حدود امور اداری نباشد را انجام دهد، مثلاً نمی‌تواند مستغلات شرکت را بفروشد یا گرو بگذارد و نمی‌تواند هیچ تغییری در اساسنامه شرکت بدهد.»<sup>۱</sup>

مقنن در شرکتهای سهامی محدودیتهای ناشی از وظایف مجامع عمومی و همچنین محدودیتهای ناشی از صلاحیت مدیر عامل را نیز بر دامنه استثنائات مدیران افزوده است.

<sup>۱</sup>. دکتر اعظمی زنگنه، حقوق تجارت، ج ۱، انتشارات دانشگاه، چ ۱، سال ۷۸، ص ۷۸

## گفتار اول: اختیارات مدیران و اعضاء هیأت مدیره شرکتهای سهامی

شرکتها (اشخاص حقوقی) می‌توانند دارای کلیه حقوق و امتیازاتی شوند که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است. مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد، مانند حقوق و وظایف ابوت، نبوت و امثال ذلک.

این مطلب در م ۵۸۸ لایحه اصلاحی ق.ت مصوب ۴۷ آمده بود و همچنین در م ۴۳۲ لایحه اصلاحی ق.ت جدید نیز عیناً تکرار شده است.

«اما اعمال این حقوق و تواناییها به لحاظ اعتباری بودن اصل شرکت از عهده آن خارج بوده و به ارکانی از شرکت که متشکل از اشخاص حقیقی است واگذار شده است. بعبارت دیگر اعمال حقوق و تواناییهای شرکت غالباً به دو رکن اصلی آن یعنی مجامع عمومی سهامداران و مدیران واگذار شده است.»<sup>۱</sup> اختیار مجامع عمومی معمولاً ناظر بر تصمیم‌گیری‌های کلی است راجع به شرکت، سیاست‌گذاری در امور شرکت و تعیین مدیران می‌باشد. مدیران نیز عهده دار اداره شرکت می‌باشند. حدود اختیارات مدیران در شرکتها رابطه مستقیم با نحوه تلقی از رابطه مدیران با شرکت و سهامداران دارد. «قانونگذار در قانون تجارت ۱۳۱۱ به تبعیت از قانون تجارت ۱۸۶۷ فرانسه راجع به شرکتهای سهامی، مدیران شرکت سهامی را وکیل شرکا تلقی کرده بود (م ۵۱ ق.ت ۱۳۱۱) که البته این راهل، راهل درستی نبود، چه مدیران وکیل شرکت‌اند، نه وکیل شرکا.»<sup>۲</sup>

اما در لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷، این راهل را رها کرده و برای مدیران که بصورت هیأتی عمل می‌کنند. بعنوان رکنی از ارکان شرکت سهامی، صلاحیت‌ها و اختیاراتی را پیش‌بینی نموده است که از حدود صلاحیت وکیل در مقابل موکل فراتر می‌رود.

<sup>۱</sup> تفرشی، عیسی، رساله دکتری، «تحولات شرکتهای سهامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۷۵، ص ۹۱

<sup>۲</sup> فتحی، مرتضی، پایان نامه، «مسئولیت کیفری مدیران شرکتهای تجاری در حقوق ایران»، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، سال ۱۳۷۱، ص ۵۸